

بررسی تأثیر سرمایه ی اجتماعی بر عملکرد سازمان های غیر دولتی زنان

از دید اعضا در شهر شیراز

جهانگیر جهانگیری^۱ و طاهره شکری زاده^{۲*}

چکیده

جریان تحولات اجتماعی به سوی جامعه ی مدنی با تأسیس سازمان های غیر دولتی^۳ همراه بوده است. جوامع امروزی زمانی به توسعه دست می یابند که همه ی افراد صرف نظر از جنسیت در اداره ی امور مشارکت داشته باشند. نظریه پردازان توسعه بر این باورند که سازمان های غیر دولتی می توانند با توانمندسازی و وارد کردن زنان در پروسه ی تصمیم گیری، مشارکت آنان را در جامعه افزایش دهند. در پژوهش انجام شده تأثیر سرمایه های اجتماعی به عنوان متغیر مستقل بر عملکرد سازمان های غیر دولتی زنان (متغیر وابسته) با توجه به فرمول ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جامعه ی آماری این پژوهش، تشکل های غیر دولتی زنان شیراز می باشد و حجم نمونه ۳۲۲ نفر است. نتایج نشان می دهد که رابطه ای معنی دار بین تأهل، قومیت، تحصیلات اعضا و تحصیلات همسرانشان با متغیر وابسته (عملکرد سازمان) وجود ندارد، اما بین شاخص های سرمایه ی اجتماعی ساختاری و شناختی با عملکرد سازمان رابطه وجود دارد، به گونه ای که با افزایش این نوع متغیرها، عملکرد سازمان ها نیز افزایش می یابد.

واژه های کلیدی: سازمان های غیر دولتی، سرمایه ی اجتماعی، عملکرد سازمان.

^۱ - عضو هیئت علمی بخش جامعه شناسی دانشگاه شیراز.

^۲ - کارشناس ارشد جامعه شناسی.

* - نویسنده ی مسئول مقاله: Tshokrizade@yahoo.com

^۳ - Non Governmental Organization

پیشگفتار

جامعه‌ی مدنی^۱، به جامعه‌ی اشاره دارد که تمامی آحاد ملت و گروه‌ها و اقشار اجتماع در فعالیت‌های گوناگون جامعه‌ی مشارکت‌پویا و ارادی داشته باشند. برای بررسی این امر (مشارکت در اجرا و سازماندهی فعالیت‌های جامعه)، قالب‌هایی ویژه طراحی شده‌اند تا این مشارکت را به گونه‌ای مؤثر محقق سازند، یکی از این نظام‌ها، سازمان‌های غیردولتی هستند. "انجمن‌های داوطلبانه و سازمان‌های غیردولتی یکی از کانال‌های اصلی اعمال نظر مردم و تمرین مشارکت جمعی و رشد توانمندی‌های فکری و عینی انسان‌ها در تمام جوامع است" (سرایی و قاسمی، ۱۳۸۱). از آنجایی که سرمایه‌ی اجتماعی فرایندی است که منجر به شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی و تسهیل هماهنگی و همکاری جهت تحقق اهداف می‌شود، لذا بهترین بستر و زمینه‌ی مناسب برای تقویت این همکاری و هماهنگی با تقویت تشکل‌های مدنی در قالب سازمان‌های غیردولتی فراهم می‌گردد. از این رو، بسیاری از اندیشمندان، سرمایه‌ی اجتماعی را عامل محرک رشد و توسعه یافتگی جامعه دانسته‌اند که با ایجاد تقویت و اعتماد و انسجام در جامعه، منجر به بهبود کیفیت شرایط زندگی آنان می‌شود. در ایران پدیده‌ی مشارکت مردمی ریشه در باورهای دینی و عادات ملی کشور دارد و مقدس شمردن خدمت به خلق به صورت داوطلبانه از بالاترین عبادات مذهبی است. امروزه اهمیت مشارکت زنان به گونه‌ای است که بدون حضور نیمی از جمعیت امکان دستیابی به توسعه ناممکن بنظر می‌رسد. سازمان‌های غیردولتی ابزاری مناسب برای توانمندسازی زنان در ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بشمار آیند، ولی با این حال نا‌آشنایی جامعه با سازمان‌های غیردولتی زنان و نقش آنان در اداره‌ی عمومی، عدم خودباوری زنان به تشکیل چنین سازمان‌هایی، عدم تداوم و موفقیت فعالیت‌ها که بیش‌تر ناشی از ضعف مدیریت در سازمان‌دهی، ضعف اطلاعات سازمانی، کمبود منابع مالی و حمایتی و عدم آشنایی با قوانین و مقررات حاکم بر جامعه می‌باشد، همگی در زمره‌ی موانع و مشکلات بر سر راه پیشرفت این سازمان‌ها بشمار می‌رود.

مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان جامعه به تناسب موضوع فعالیت سازمان‌ها، ایجاد اشتغال و فقرزدایی، حفظ روحیه‌ی انسان دوستی و همدلی در قالب سازمان‌های خیریه و ... از جنبه‌های مثبت ایجاد تشکل‌های غیردولتی زنان است و در چالش‌های اخلاقی و اجتماعی امروز می‌تواند کارکرد حیاتی داشته باشد. بدیهی است که این سازمان‌ها در توانمندسازی زنان و شناخت و ریشه‌یابی مسایل اجتماعی و آرایه‌ی راه‌حل‌های سازنده می‌توانند جایگاهی ویژه در اداره‌ی امور کشور داشته باشند. نقش چشمگیر سرمایه‌ی اجتماعی و چگونگی حضور آن

^۱ - Civic Society

در زندگی کنشگران اجتماعی، به عنوان تسهیل گر تعاملات اجتماعی، توجه بسیاری از جامعه شناسان را به خود جلب کرده است. با توجه به اهمیت سرمایه ی اجتماعی در توسعه ی اقتصادی- اجتماعی، نبود یا ضعف آن را در جامعه باید مسأله ی مهم اجتماعی دانست. چرا که در این حالت همکاری داوطلبانه در جامعه به حداقل می رسد. در این پژوهش سعی شده، تأثیر سرمایه های اجتماعی بر عملکرد سازمان های غیر دولتی زنان مورد بررسی قرار گرفته و ارزیابی گردد.

پیشینه ی پژوهش

پژوهش در خصوص تشکل های داوطلبانه در ایران، از یک سو، به دلیل نبود پژوهش های منابع پیشین و از سوی دیگر، به دلیل عدم پذیرش مشارکت اجتماعی و همکاری ضعیف اعضای سازمان های غیر دولتی با پژوهشگران، با مشکلات بسیاری روبه رو بوده است. رزاقی در این زمینه بر این باور است که: "هنوز پارادایم سنتی توسعه از شیوه ی سنتی به مدرن بر جامعه ی ایرانی مسلط است و نسبت به سازمان های غیر دولتی نگاهی تزئینی و ابزاری وجود دارد و این نگاه باعث می شود که آن ها در جایگاه واقعی خویش قرار نگیرند" (رزاقی، ۱۳۸۳). در زیر به برخی مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور در خصوص سازمان های غیر دولتی می پردازیم:

قشقایی در مقاله ای با عنوان "نقش سازمان های غیر دولتی زنان در اداره عمومی کشور"، سازمان های غیر دولتی را به عنوان سازمان های داوطلبانه که با هدف های خدمتگزاری و انسان دوستانه، خلاء بین نخبگان و توده ی مردم را پر می کند، معرفی می نماید. او بر این باور است که این سازمان ها در توانمند سازی زنان، فرهنگ سازی جامعه و شناخت و ریشه یابی مسایل اجتماعی و آرایه ی راه حل های عملی جهت رفع نواقص می توانند جایگاهی ویژه در اداره ی امور کشور داشته باشند (قشقایی، ۱۳۷۸).

سعیدی نیز در مقاله ای با عنوان "رابطه ی دولت و سازمان های غیر دولتی" بر این باور است که رشد کمی سازمان های غیر دولتی زنان، دلالت بر گسترش کیفی آن ها ندارد. او در مقاله اش به بررسی آسیب شناسی رابطه ی بین دولت و این سازمان ها پرداخته است. سعیدی با طرح برنامه ی عمل پیشنهادی رابطه ی دولت و سازمان های غیر دولتی بر این باور است که چارچوب این برنامه باید با سیاست های دولت منطبق باشد تا منجر به تقویت ارکان سازمان های غیر دولتی زنان گردد. محور این طرح، تقویت مشارکت این سازمان ها در فعالیت های اجتماعی، گسترش شفافیت و پاسخگویی از راه دسترسی به داده ها در سازمان های غیر دولتی و فراهم کردن حمایت

نهادی، تقویت همکاری، تعاون و تشریک مساعی این سازمان‌ها با دولت بوده است (سعیدی، ۱۳۸۴).

در پژوهشی دیگر که به وسیله‌ی قانعی راد و حسینی انجام گرفته، نشان می‌دهد که هر چه ارزش‌های فرامادی در جوانان بیش‌تر باشد، سرمایه‌ی اجتماعی در آنان بیش‌تر و مشارکت آنان در سازمان‌های غیردولتی بیش‌تر است. جوانان دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر و دارای تحصیلات بیش‌تر مشارکت بیش‌تری در این نوع سازمان‌ها دارند (قانعی راد و حسینی، ۱۳۸۴). پژوهشی که به وسیله‌ی هلمز^۱ انجام گرفته است، راجع به زنانی است که به وسیله‌ی سازمان‌های غیردولتی زنان، به عنوان فعال در بازسازی بوسنی و هرزه گوین پس از جنگ شناسایی شده‌اند، زنانی که برای رسیدن به هدف‌های سیاسی و برگرداندن پناهندگان و سازشکاری‌های قومی-نژادی متعهد شده‌اند، ولی همچنان قدرت سیاسی آنان در جامعه نادیده گرفته می‌شود (Helms, 2003).

بالحیب^۲ در مقاله‌ای این نوع سازمان‌ها را عاملان فعال در تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند. بیش‌ترین نقش آن‌ها در چانه‌زنی برای حقوق زنان مراکشی و تلاش برای پیشرفت زندگی روزانه آن‌ها بوده است. بیش‌تر اعضای NGOها به پایگاه اجتماعی بالایی تعلق دارند و آن‌ها معمولاً از اساتید، معلمان، مدیران ارشد، وکیلان و پزشکان می‌باشند (Belhabib, 2004).

مبانی نظری پژوهش

بسیاری از اندیشمندان اجتماعی در تبیین سرمایه‌ی اجتماعی با برشمردن عناصر تشکیل دهنده‌ی آن، آن را به عنوان موتور حرکت جامعه برای طی مراحل رشد و تعالی دانسته و بر این باورند که سرمایه‌ی اجتماعی همان مفهوم سرمایه‌ی اقتصادی را با اهمیتی بیش‌تر با تأکید بر گروه‌های مرجع دارد. از دید دانشوران، جامعه‌ای توان‌گام نهادن در پویای توسعه را دارد که بتواند بر میزان این انباشت سرمایه اثر گذاشته و موجودی سرمایه اجتماعی را تقویت کند. وابستگی سرمایه‌ی اجتماعی به منابع انسانی که زیرساخت تولید سرمایه را برعهده دارند، انکارناپذیر است. بویژه آن که زنان در این رویکرد جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده‌اند، لذا زنان در تقسیم‌بندی‌های اجتماعی فرایندی مؤثر را در ایجاد رابطه‌های فردی و توسعه‌ی آن در حوزه‌ی شبکه‌های اجتماعی ایجاد می‌کنند (نژاد بهرام، ۱۳۸۴). مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را نخستین بار

^۱ - Eliza Helms

^۲ - Soumaya Belhabib

جیمز کلمن^۱ وارد عرصه ی سیاسی کرد، اما تئوری سرمایه ی اجتماعی بیش تر با نظریه های بوردیو^۲ و پوتنام^۳ تکامل یافت. در این پژوهش نظریه های مربوط به سرمایه ی اجتماعی بررسی می شود.

از نظر بوردیو، سرمایه ی اجتماعی جمع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه ی مالکیت شبکه ی بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و عضویت در یک گروه برای دستیابی به منابع آن گروه است (Winter, 2000 به نقل از موسوی).

او با ترکیب نظرات مارکس و وبر، میان ۴ نوع سرمایه تمایز قائل می شود: ۱- سرمایه اقتصادی ۲- سرمایه اجتماعی ۳- سرمایه فرهنگی ۴- سرمایه نمادین. از نظر بوردیو شکل های فوق قابل تبدیل به یکدیگرند و ساختار طبقاتی هر جامعه متأثر از نحوه توزیع این چهار نوع سرمایه است. (بوردیو، ۱۳۸۱).

بوردیو سرمایه ی اجتماعی را دارای دو مؤلفه می داند: نخست به عنوان یک منبع که با عضویت گروهی و شبکه های اجتماعی مرتبط است و دوم میزان سرمایه ی اجتماعی یک کارگزار خاص به حجم شبکه ی ارتباطی او وابسته است. برای بوردیو سرمایه ی اجتماعی یک پدیده ی جمعی است، حتی اگر از چشم انداز کنشگر به آن نگاه شود. یکی از سنگ بناهای نظری جامعه شناسی بوردیو در نظر گرفتن جامعه به عنوان تکثری از حوزه های اجتماعی است. شکل های سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) عامل های اساسی هستند که تعریف کننده ی موقعیت ها و امکانات کنشگران در هر حوزه ای است (بوردیو به نقل از سیسیانین، ۱۳۸۴).

علاقه ی کلمن به ترکیب جامعه شناسی با جریان های عمده ی اقتصادی است. او از سرمایه ی اجتماعی برای تبیین تفاوت ها در زندگی افراد استفاده می کند. او باور دارد که سرمایه ی اجتماعی با کارکرد شیء تعریف می شود. سرمایه ی اجتماعی، مانند اشکال دیگر سرمایه ی مولد است و امکان دستیابی به هدف های معینی را که در نبود آن دست نیافتنی است، فراهم می سازد. سرمایه ی اجتماعی، مانند سرمایه ی فیزیکی و انسانی کاملاً تعویض پذیر نیست، اما نسبت به فعالیت های ویژه ای تعویض پذیر است. شکل معینی از سرمایه ی اجتماعی که در تسهیل کنش های معینی ارزشمند است، ممکن است برای کنش های دیگر بی فایده یا حتی زیانمند باشد (کلمن، ۱۳۷۷).

پوتنام نیز با بررسی نواحی ایتالیایی و طرح پرسش هایی پیرامون شرایط ضروری برای شکل گیری جامعه ی مدنی، جایگاهی تازه به تئوری سرمایه ی اجتماعی داد. بنظر وی، سرمایه ی

^۱ - Coleman, J.S

^۲ - Bourdieu, P

^۳ - Putnam, R

اجتماعی در گروه‌های مدنی و دینی، پیوند های خانوادگی، شبکه های اجتماعی غیر رسمی، دوستان و خویشاوندان، هنجارهای عمل متقابل، داوطلب شدن، از خود گذشتگی و اعتماد نهفته است. هنجارهای اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه ها، منابع سرمایه و اساسا اجتماعی هستند. سرمایه‌ی اجتماعی کنش جمعی نیست بلکه هنجارها و ضمانت های اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه های اجتماعی است که مشکلات غیر قابل حل کنش اجتماعی را حل می کند (پوتنام، ۱۳۸۱).

فوکویاما^۱ نیز بر این باور است که سرمایه‌ی اجتماعی را به سادگی می توان به عنوان وجود مجموعه‌ی معینی از هنجارها یا ارزش های غیر رسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه‌ی اجتماعی نمی شود، چرا که این ارزش ها ممکن است ارزش های منفی باشد. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می کنند اساسا باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشند. تشکیل گروه‌های موفق در نبود سرمایه‌ی اجتماعی با استفاده از انواع ساز و کارهای مشارکتی مانند قرارداد ها، نظام سلسله مراتب، اساس نامه ها و مانند آن امکان پذیر است. جامعه‌ی مدنی که در سال های اخیر به گونه‌ی شایان توجهی کانون نظریه پردازی های مردم سالاری بوده است، در مقیاس وسیعی محصول سرمایه‌ی اجتماعی است (فوکویاما، ۱۳۸۵).

آپهوف^۲ نیز برای مفهومی کردن سرمایه‌ی اجتماعی عنوان می کند که می بایست آن را به دو طبقه‌ی مرتبط به هم تقسیم کرد: ساختاری و شناختی. وی سرمایه‌ی اجتماعی در شکل ساختاری را با شکل های گوناگون سازمان اجتماعی مانند نقش ها، قواعد، روش های قبلی یا رسوم و رویه ها و دامنه‌ی گسترده از شبکه‌هایی که به همکاری یا تعاون و کنش جمعی دو طرفه سودمند کمک می کنند، پیوند می زند. طبقه بندی شناختی نیز از فرایندهای ذهنی مشتق شده و نتیجه‌ی آن ایده ها بوده و به وسیله‌ی فرهنگ و ایدئولوژی تقویت می شود، یعنی هنجارها، نگرش ها و باورهایی که به رفتار مبتنی بر همکاری و تعاون کمک می کنند (Uphoff, 2000).

آپهوف همچنین بر این باور است که هر دو طبقه بندی از سرمایه‌ی اجتماعی در سطح بالایی به هم وابسته اند، به گونه‌ای که هر کدام از شکل های ساختاری و شناختی کمک کننده به یکدیگرند. هر دوی آن ها از راه ساز و کار انتظارات بر رفتار تأثیر می گذارند. هر دوی پدیده به

¹ - Fukuyama, F

² - Uphoff

وسیله ی تجار شرطی شده و به وسیله ی فرهنگ و روحیه یا طرز فکر یک دوره و دیگر عوامل تأثیر گذار تقویت می شوند.

مدل سنجش سرمایه ی اجتماعی SCAT¹

در این مدل سرمایه ی اجتماعی به دو سطح کلان و خرد تقسیم شده است، سطح کلان اشاره به محیطی دارد که سازمان در آن فعالیت دارد که شامل قوانین، چارچوب حقوقی، نوع حکومت و نظام سیاسی، میزان عدم تمرکز و میزان مشارکت سیاسی افراد در خط مشی کلان دارد. سرمایه ی اجتماعی در سطح خرد به دو بعد شناختی و ساختاری تقسیم شده است. بعد شناختی به بخش نا محسوس سرمایه ی اجتماعی مانند ارزش ها، باورها، نگرش ها، رفتارها و هنجارهای اجتماعی می پردازد. ارزش های شناختی به روحیه ی اعتماد و یکپارچگی اعضاء و همچنین ارتباط متقابل که بین اعضاء یک جامعه وجود دارد، می پردازد. بعد ساختاری سرمایه اجتماعی در برگیرنده ی ساختارها و شبکه هایی است که حاوی فرایندهای تصمیم گیری جمعی روشن، رهبران پاسخگو و مسئولیت متقابل است (Krishna & Shroder, 1999).

چارچوب انتخاب شده

با مروری بر کارهای نظریه پردازان سرمایه ی اجتماعی این نکته آشکار می شود که هر چند مشابهت هایی بین آن ها وجود داشته ، اما دارای تفاوت هایی نیز هستند. وال و همکارانش پس از بررسی اندیشه ی سه نظریه پرداز سرمایه ی اجتماعی (بورديو، کلمن و پوتنام) بر این باورند که هر سه نظریه پرداز با این نکته موافقت می کنند که سرمایه اجتماعی نمی تواند در خارج از زمینه ی اجتماعی گسترده تر جامعه وجود داشته باشد، بورديو روی طبقه و تقسیم طبقاتی، کلمن روی دامنه ای از موضوع ها یعنی از خانواده تا سازمان های رسمی و پوتنام روی مناطق وسیع تأکید می کند (Wall et al, 1988).

بر اساس نظریه های مطرح شده ی اندیشمندان، سرمایه ی اجتماعی عنصری مطلوب برای انجام کارهای درون گروهی است که هر چه میزان آن بالاتر باشد، دستیابی گروه به اهداف خود با هزینه ی کم تری انجام می گیرد، اما در کنار اثرات مثبت آن، برخی اندیشمندان تذکر می دهند، سرمایه ی اجتماعی از راه تشکیل گروهها و شبکه های منزوی می تواند بر عملکرد کلان نظام اجتماعی اثر منفی بگذارد، لذا اثرات مثبت سرمایه ی اجتماعی هنگامی خواهد بود که این دو شکل سرمایه ی اجتماعی (درون گروهی - برون گروهی) هر دو به میزان مناسب باشند.

¹ - Social Capital Assesment Tool

از آنجایی که آپهوف برای مفهومی کردن سرمایه‌ی اجتماعی آن را به دو طبقه‌ی ساختاری و شناختی تقسیم کرده و با این حال قلمرو عمل این دو را نیز به هم مرتبط می‌داند، لذا این گونه استنباط می‌گردد که با در نظر گرفتن بعد ذهنی (شناختی) و بعد عینی (ساختاری) سرمایه‌ی اجتماعی آپهوف و مدل سرمایه‌ی اجتماعی اسکات، بهتر می‌توان به اثرات مثبت سرمایه‌ی اجتماعی بر عملکرد سازمان‌ها پی برد.

مدل پژوهش



فرضیه‌های پژوهش

- بنظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی ساختاری (مشارکت اجتماعی، دامنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی و تعهدات اجتماعی) و عملکرد سازمان‌های غیر دولتی زنان رابطه وجود دارد.

- بنظر میرسد بین سرمایه اجتماعی شناختی (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، ارزش ها و نگرش های اجتماعی با عملکرد سازمان های غیر دولتی زنان رابطه وجود دارد.
- بنظر می رسد بین تحصیلات اعضا و عملکرد سازمان های غیر دولتی زنان رابطه وجود دارد.
- بین نوع فعالیت سازمانی و عملکرد سازمان های غیر دولتی زنان رابطه وجود دارد.
- بین نوع اشتغال اعضا و عملکرد سازمان های غیر دولتی زنان رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه ی آماری این پژوهش، تشکل های غیر دولتی زنان در شیراز می باشد که تعداد آن ها بالغ بر ۵۲ تشکل به ثبت رسیده است و تعداد کل مدیران و کارکنان آنان نیز به ۱۸۶۵ نفر می رسد. حجم نمونه ی مورد مطالعه ی این پژوهش بر اساس محاسبه ی روش لین، ۳۲۲ نفر می باشد. پس از تعریف متغیرهای مورد نظر، شاخص هایی برای هر یک از آنان تعریف شد. شاخص های متغیر مستقل عبارتند از:

سرمایه اجتماعی ساختاری شامل: مشارکت اجتماعی- دامنه ی فعالیت های جمعی- مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی. سرمایه ی اجتماعی شناختی: اعتماد اجتماعی- انسجام اجتماعی- ارزش های اجتماعی- نگرش های اجتماعی.

عملکرد های سازمان ها شامل: عملکرد اجتماعی- خدماتی- رفاهی، عملکرد اقتصادی، عملکرد مذهبی، عملکرد علمی- پژوهشی، عملکرد بهداشتی- درمانی، عملکرد فرهنگی- هنری- ورزشی.

تجزیه و تحلیل یافته ها

بخش نخست این تجزیه و تحلیل به ویژگی های جامعه ی مورد مطالعه اختصاص داشته و در بخش دوم با بهره گیری از آزمون های آماری به بررسی فرضیه ها پرداخته شده است.

جدول ۱- توصیف شاخص تحصیلات اعضای سازمان ها

درصد	فراوانی	تحصیلات اعضا
۵/۹	۱۹	ابتدایی- سیکل
۴۹/۱	۱۵۹	دیپلم- فوق دیپلم
۳۶/۷	۱۱۹	لیسانس
۸/۳	۲۷	ارشد- دکتری
۱۰۰	۳۲۴	کل

همان گونه که داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد، ۵/۹ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی و سیکل بوده‌اند. ۴۹/۱ درصد آنان دارای تحصیلات دیپلم - فوق دیپلم بوده‌اند. ۳۶/۷ درصد از پاسخگویان در مقطع لیسانس و ۸/۳ درصد دیگر از افراد نیز دارای مدرک ارشد و دکتری می‌باشند.

جدول ۲- توصیف شاخص شغل اعضای سازمان

درصد	فراوانی	شغل
۲۷/۲	۸۸	خانه دار
۸/۳	۲۷	دبیر
۲۱	۶۸	کارمند
۱۶	۵۲	دانشجو
۹/۶	۳۱	آزاد
۱۷/۹	۵۸	سایر
۱۰۰	۳۲۴	کل

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که ۲۷/۲ درصد از پاسخگویان خانه‌دار، ۸/۳ درصد دبیر، ۲۱ درصد کارمند، ۱۶ درصد دانشجو، ۹/۶ درصد دارای شغل آزاد بوده و ۱۷/۹ درصد نیز گزینه‌ی سایر را انتخاب نموده‌اند.

جدول ۳ - توصیف شاخص نوع فعالیت‌های سازمانی

درصد	فراوانی	نوع فعالیت سازمان
۲۱/۳	۶۹	خبریه‌ای
۷/۱	۲۳	مذهبی
۱۷/۳	۵۶	اجتماعی
۱۶	۵۲	آموزشی - فرهنگی
۴/۹	۱۶	بهداشتی - درمانی
۷/۴	۲۴	علمی - پژوهشی
۷/۱	۲۳	ورزشی
۴	۱۳	ادبی - هنری
۱۴/۸	۴۸	حمایتی - خدماتی
۱۰۰		کل

بر اساس داده های جدول ۳، ۲۱/۳ درصد افراد جزو تشکل های خیریه ای، ۷/۱ درصد از افراد جزء تشکل های مذهبی، ۱۷/۳ درصد دیگر جزء تشکل های اجتماعی، ۱۶ درصد افراد جزء تشکل های آموزشی-فرهنگی، ۴/۹ درصد دیگر جزء تشکل های بهداشت-درمانی، ۷/۱ درصد افراد جزء تشکل ورزشی، ۴ درصد افراد جزء تشکل ادبی-هنری و ۱۴/۸ درصد افراد دیگر نیز جزء تشکل حمایتی-خدماتی می باشند، بنابراین تعداد افراد عضو در تشکل های خیریه ای بیش ترین و در تشکل های ادبی-هنری کم ترین بوده اند.

جدول ۴-توصیف متغیرهای مستقل و عملکرد سازمان

متغیرهای مستقل		پایین		متوسط		بالا	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۲۷	۸/۳	۲۳۲	۷۱/۶	۶۵	۲۰/۱		
۲۹	۹	۲۰۸	۶۴/۲	۸۷	۲۶/۹		
۱۲	۳/۷	۱۵۲	۴۶/۹	۱۶۰	۴۹/۴		
۴۰	۱۲/۳	۱۹۹	۶۱/۴	۸۵	۲۶/۲		
۷	۲/۲	۱۰۱	۳۱/۲	۲۱۶	۶۶/۷		
۶	۱/۹	۶۴	۱۹/۸	۲۵۳	۷۸/۳		
۶	۱/۹	۷۱	۲۱/۹	۲۴۷	۷۶/۲		

همان گونه که در جدول ۴ ملاحظه می شود، ردیف اول این جدول بیانگر میزان مشارکت اجتماعی در سازمان های غیر دولتی است. ۸/۳ درصد پاسخگویان مشارکت اجتماعی را در سطح پایین، ۷۱/۶ درصد در سطح متوسط و ۲۰/۱ درصد در سطح بالا بیان نموده اند، بنابراین می توان نتیجه گرفت که میزان مشارکت اجتماعی در این سازمان ها در حد متوسط است.

ردیف دوم، بیانگر میزان دامنه ی فعالیت های اجتماعی در سازمان های غیر دولتی است. ۹ درصد پاسخگویان دامنه ی فعالیت های اجتماعی را در سطح پایین، ۶۴/۲ درصد در سطح متوسط و ۲۶/۹ درصد آن را در سطح بالا گزارش کرده اند.

ردیف سوم این جدول نشان دهنده ی میزان مسئولیت و تعهدات اجتماعی است. ۳/۷ درصد پاسخگویان مسئولیت و تعهدات اجتماعی را در سطح پایین، ۴۶/۹ درصد در سطح متوسط و ۴۹/۴ درصد آن را در سطح بالا مطرح نموده اند. روی هم رفته، میزان مسئولیت و تعهدات در بین سازمان های غیر دولتی متوسط رو به بالا گزارش شده است.

ردیف چهارم جدول بالا، بیانگر میزان اعتماد اجتماعی در سازمان‌های غیر دولتی است. ۱۲/۳ درصد پاسخگویان اعتماد اجتماعی را در سطح پایین، ۶۱/۴ درصد آن را در سطح متوسط و ۲۶/۲ درصد آن را در سطح بالا گزارش نموده‌اند.

همچنین در مورد اعتماد اجتماعی همان گونه که ملاحظه می‌شود، ۲/۲ درصد از پاسخگویان، اعتماد اجتماعی را در سطح پایین، ۳۱/۲ درصد آن را در سطح متوسط و ۶۶/۷ درصد افراد نیز آن را در سطح بالا گزارش کرده‌اند، بنابراین میزان اعتماد اجتماعی در بین سازمان‌های غیر دولتی در حد بالا گزارش شده است.

بر اساس داده‌های جدول ۴، ۲/۲ درصد پاسخگویان، نگرش‌های اجتماعی را در سطح پایین، ۳۱/۲ درصد آن را در سطح متوسط و ۶۶/۷ درصد افراد آن را در سطح بالا مطرح کرده‌اند. در مجموع نگرش‌های اجتماعی در این سازمان‌ها در سطح بالایی قرار دارد.

همچنین بر اساس داده‌های جدول بالا، همان گونه که ملاحظه می‌گردد، ۲/۲ درصد پاسخگویان ارزش‌های اجتماعی را در سطح پایین، ۳۱/۲ درصد آن را در سطح متوسط و ۶۶/۷ درصد افراد آن را در سطح بالا مطرح نموده‌اند.

در مجموع نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که میزان مشارکت اجتماعی، دامنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی در بین سازمان‌های غیر دولتی مورد مطالعه، متوسط رو به بالا بوده و میزان مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی در بین این سازمان‌ها در حد متوسط است، همچنین میزان انسجام اجتماعی، نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی نیز در سطح بالا گزارش شده است.

جدول ۵ - آزمون همبستگی پیرسون بر حسب متغیرهای مستقل و عملکرد سازمان

متغیرهای مستقل	همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
مشارکت اجتماعی	۰/۳۷۹	۰/۰۰۰
دامنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی	۰/۲۸۴	۰/۰۰۰
مسئولیت و تعهدات اجتماعی	۰/۳۹۴	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰/۳۱۷	۰/۰۰۰
انسجام اجتماعی	۰/۳۵۲	۰/۰۰۰
نگرش‌های اجتماعی	۰/۱۴۰	۰/۰۱۲
ارزش‌های اجتماعی	۰/۱۱۵	۰/۰۳۹

شاخصه های جدول شماره ۵ نشان می دهد که با توجه به سطح معنی داری، رابطه ی بین این متغیرهای مستقل دست کم در سطح ۹۵ درصد معنی دار است و فرضیه ی وجود رابطه بین این متغیرها تأیید می گردد. در واقع تمام این گویه ها، مربوط به سرمایه ی اجتماعی ساختاری و شناختی بوده اند و آزمون همبستگی بین سرمایه ی اجتماعی و عملکرد سازمان ها معنی دار بوده و این گونه استنباط می گردد که با افزایش سرمایه ی اجتماعی، سازمان ها نیز عملکرد بهتری را از خود نشان داده اند.

آزمون همبستگی پیرسون بین سن، تعداد فرزندان و درآمد معنی دار نبوده و نشان می دهد که این متغیرها، تأثیری بر عملکرد سازمان ندارد. آزمون تفاوت میانگین بین وضعیت تأهل، تحصیلات اعضا، تحصیلات همسر و نوع اشتغال نیز معنی دار نبوده و نشان می دهد که افراد با تحصیلات و مشاغل گوناگون و صرف نظر از مرد یا زن و مجرد یا متأهل بودن، عملکرد سازمان را مشابه ارزیابی نموده اند.

جدول ۶- عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش مرحله به مرحله

Sig t	مقدار T	BETA	Bضریب	R2	R	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۵	۲/۸۶۴	۰/۳۱۱	۱/۳۵۹	۰/۱۱۳	۰/۳۳۷	نگرش اجتماعی
۰/۰۴۵	۲/۰۴۵	۰/۲۲۲	۱/۹۸۰	۰/۱۶۲	۰/۴۰۳	مشارکت اجتماعی

جدول ۶ ضرایب رگرسیونی چند متغیره را برای تبیین متغیر وابسته به روش مرحله به مرحله نشان می دهد، که در نهایت طی دو مرحله، دو متغیر وارد این معادله شده اند. دو متغیر مشارکت اجتماعی و نگرش اجتماعی توانسته اند ۱۶/۲ درصد از متغیر وابسته را تبیین کنند. در حقیقت ۱۶/۲ درصد از تغییرات بوجود آمده در میزان عملکرد سازمان ها به دلیل حضور این دو متغیر بوده است.

جدول ۷- عناصر متغیرهای خارج شده در مرحله‌ی آخر

متغیرها	BETA	T	Sig	همبستگی جزیی
سن	۰/۰۴۴	۰/۳۹۸	۰/۶۹۲	۰/۰۴۷
تعداد فرزند	۰/۰۱۵	۰/۱۳۴	۰/۸۹۴	۰/۰۱۶
درآمد	۰/۰۰۸	۰/۰۷۲	۰/۹۴۳	۰/۰۰۹
دامنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی	۰/۰۷۳	۰/۵۷۰	۰/۵۷۱	۰/۰۶۷
مسئولیت‌های اجتماعی	۰/۱۳۲	۱/۱۲۰	۰/۲۶۷	۰/۱۳۲
اعتماد اجتماعی	۰/۰۴۶	۰/۴۱۵	۰/۶۷۹	۰/۰۴۹
انسجام اجتماعی	۰/۰۲۱	۰/۱۸۵	۰/۸۵۳	۰/۰۲۲
ارزش اجتماعی	۰/۱۶۵	۱/۲۷۷	۰/۲۰۶	۰/۱۵۰

جدول ۷ به متغیرهایی اختصاص یافته است که دارای همبستگی معنی داری با متغیر وابسته (عملکرد سازمان) نبوده‌اند و بنابراین از مدل خارج شده‌اند و توان تبیین متغیر وابسته را نداشته‌اند.

در مجموع می‌توان گفت که بر اساس ارزیابی‌های انجام گرفته از سازمان‌های غیردولتی زنان در شیراز، بیش‌تر از همه بر مولفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی ساختاری و شناختی تأکید شده و متغیرهای زمینه‌ای یا جمعیت‌شناختی، تأثیری چندانی بر عملکرد این سازمان‌ها نداشته‌اند.

نتیجه‌گیری

در چند دهه‌ی اخیر، موضوع مشارکت اجتماعی و نقش فعال مردم در جوامع توسعه‌نیافته به منزله‌ی یکی از ضروریات توسعه‌ی انسانی و پایدار مطرح شده است. سازمان‌های غیردولتی یکی از اهرم‌های اصلی مشارکت اجتماعی و رشد توانمندسازی انسان‌ها در جوامع در حال توسعه بشمار می‌آید که این امر مرهون تقویت سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان عامل رشد و توسعه‌یافتگی جوامع قلمداد می‌شود، بنابراین، با توجه به افزایش کمی سازمان‌های غیردولتی زنان، در چند دهه‌ی اخیر، در ایران مطالعه‌ی در مورد نقش سرمایه‌ی اجتماعی بر عملکرد این سازمان‌ها می‌تواند نقش آن‌ها را در جامعه‌ی امروزی نمایان سازد.

نتایج بدست آمده از مطالعه‌ی بالا نشان می‌دهد که میزان مشارکت، دامنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی در بین اعضای سازمان‌های غیردولتی مورد مطالعه متوسط رو به بالا بوده و میزان مسئولیت و تعهدات اجتماعی در بین آن‌ها در حد متوسط و میزان انسجام اجتماعی، نگرش‌های اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی نیز در حد بالا گزارش شده است.

آزمون همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی، دامنه ی فعالیت های اجتماعی، مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی، اعتماد و انسجام اجتماعی، نگرش ها و ارزش های اجتماعی با عملکرد سازمان حاکی از معنی دار بودن این رابطه است.

با بهره گیری از رگرسیون چند متغیره به روش مرحله به مرحله مشاهده گردید که تنها دو متغیر نگرش اجتماعی و مشارکت اجتماعی توانسته اند وارد معادله گردیده و در مجموع ۱۶/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

در مجموع می توان گفت که بر اساس ارزیابی های انجام گرفته از سازمان های غیردولتی زنان در شیراز، بیش تر از همه بر مولفه های سرمایه اجتماعی ساختاری و شناختی تاکید شده و متغیرهای زمینه ای یا جمعیت شناختی تاثیر چندانی بر عملکرد این سازمان ها نداشته است.

منابع

- ۱- بوردیو، پ. ۱۳۸۱. نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، انتشارات نقش و نگار.
- ۲- پوتنام، ر. ۱۳۸۰. دموکراسی و سنت های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، نشر سلام.
- ۳- سرایی، ح. و قاسمی، ز. ۱۳۸۱. "گونه شناسی انجمن های داوطلبانه در ایران"، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۴.
- ۴- سعیدی، ع. ا. ۱۳۸۴. رابطه دولت و سازمان های غیر دولتی زنان در ایران " پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۳.
- ۵- سیسیانین، م. ۱۳۸۴. دولتلی از سرمایه اجتماعی: تمایزات و اشتراکات بوردیو و پوتنام"، ترجمه محمد رضا غلامی، نشریه همشهری.
- ۶- فوکویاما، ف. ۱۳۸۵. پایان نظم، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران، نشر قلم نوین.
- ۷- قانع راد، محمد امین و حسینی، فریده (۱۳۸۴)، "ارزش ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمانهای غیر دولتی (مطالعه تجربی در بین جوانان تهران)"، مجله جامعه شناسی ایران، سال ۶، شماره ۳، صص: ۹۷-۱۲۳.
- ۸- قشقایی، فرشته (۱۳۷۸)، "نقش سازمان های غیر دولتی در اداره امور عمومی کشور" نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۹- کلمن، ج. ۱۳۷۷. بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ۱۰- موسوی، م. ط. ۱۳۸۵. "مشارکت اجتماعی یکی از مولفه های سرمایه اجتماعی"، فصل نامه رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۳.
- ۱۱- نژاد بهرام، ز. ۱۳۸۴. "حقوق زنان، نخستین گام در انباشت سرمایه اجتماعی"، نشریه نافه، شماره ۳۹-۴۱.

- 12- Belhabib, Soumaya (2004). " Moroccan Women NGO: Civil Society Agents of Change. " Third ALWF Annual Conference: Women in the Arab World, Partners in the Community and on the World Stage.
- 13- Helms, E. (2003). "Women as Agents of Ethnic Reconciliation? Women Ngos and International Intervention in Postwar Bosnia-Herzegovina. " Womens Studies International Forum, Vol. 26, No. 1, PP. 15-33.
- 14- Uphoff. N.(2000). "Understanding Social Capital, Learning from the Analysis and Experiences of Participation, in Dasgupta and Seregldin, Social Capital: A Multifaceted Perspective. "Institutional Analysis, World Bank. Washington DC,USA.PP,215-249.
- 15- Wall, E. Gabriele, F. and Frans, S. (1998), "Getting the Goods on Social Capital, Rural Sociology. ", 63,2,PP: 300-322.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی